

گدایابی حلال است

یا حرام؟



Ketabton.com

دیزاین: الحاج سلیم عابد پیمان سویدن

۱۳۹۵

تتبع و نگارش:
الحاج امین الدین « سعیدی - سعید الفتی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتژیکی افغان و
مسؤل مرکز فرهنگی دحق لاره - جرمنی



www.masjed.se

گدایی حلال است یا حرام ؟

بسم الله الرحمن الرحيم گدایی حلال است یا حرام ؟

« عَنْ حُبَيْبِ بْنِ جُنَادَةَ السَّلُولِيِّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ فِي حَجَّةِ الْوُدَاعِ وَهُوَ وَاقِفٌ بَعْرَفَةَ أَتَاهُ أَعْرَابِيٌّ فَأَحَذَ بِطَرْفِ رِدَائِهِ فَسَأَلَهُ إِيَّاهُ فَأَعْطَاهُ وَذَهَبَ حَرَمَتْ الْمَسْأَلَةَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ الْمَسْأَلَةَ لَا تَحِلُّ لِعَنِيَّ فَعِنْدَ ذَلِكَ وَلَا لِذِي مِرَّةٍ سِوِيَّ إِلَّا لِذِي فَقْرٍ مُدْقِعٍ أَوْ غُرْمٍ مُفْطَعٍ وَمَنْ سَأَلَ النَّاسَ لِيُنْثَرِيَ بِهِ مَالَهُ كَانَ حُمُوشًا فِي وَجْهِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَرَضْفًا يَأْكُلُهُ مِنْ جَهَنَّمَ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُقِلِّ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْثِرْ » (جامع الترمذی)

(از حُبَيْش بن جناده سلولی رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم در حجة الوداع در حالیکه در عرفات ایستاده بود، پس مرد اعرابی آمد، و از گوشه چادر شان گرفت، و از ایشان خواست که آن چادر را به او بدهند، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم چادر خویش را به آن مرد اعرابی داد، و او رفت. آنگاه سؤالگری حرام قرار گرفت، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: برای مرد ثروتمند، و برای مرد تنومند سالم سؤالگری حلال نیست، مگر کسی که با فقر بسیار سخت، و یا با قرض بسیار گران روبرو شود، و هر که به سوی مردم دست سوال دراز کند تا (ازین طریق) بر مال خویش بیفزاید، (این عمل او) روز قیامت به صورت خراشه ها در چهره اش، و سنگ تفتیده و بریان کننده می دراید که آنرا از دوزخ می خورد، پس هر که خواسته باشد، از آن بکاهد، و یا بر آن بیفزاید. (به روایت ترمذی)

بحث لغوی:

- 1- « الْمَسْأَلَةُ لَا تَحِلُّ لِعَنِيَّ » : مراد از غنی درین حدیث همان کسی است که واجد نیازمندیهای اساسی اش که عبارت از طعام، لباس و خانه است، باشد، و کسی که مالک نصاب زکات بوده باشد، به طریق اولی در مفهوم حدیث داخل است.
- 2- « لِذِي مِرَّةٍ سِوِيَّ » : یعنی کسیکه از لحاظ فزیکتی و عقلی صحیح و سالم بوده و مبتلای هیچ نوع ناتوانی و بیماری ای نباشد که مانع کسب و کار او گردد.
- 3- « لِذِي فَقْرٍ مُدْقِعٍ » : فقیر: کسی را گویند که هیچ چیز در اختیار ندارد، و مسکین کسی را گویند که مقدار چیزی در اختیار داشته باشد. و امام شافعی - رحمه الله - این دو کلمه را همین گونه تفسیر نموده اند.
- و « الفقر المدقع » : فقر شدید.
- 4- « أَوْ غُرْمٍ مُفْطَعٍ » ، الغرم: وام، یا چیزی که پرداخت آن بر نمهء انسان لازم باشد.
- « المفطع » : بسیار شدید.
- و مقصود حدیث اینست که علاوه بر فقیر کسیکه سؤال برای او جایز است شخصی است که پرداخت دین بسیار ثقیل بر نمهء او باشد.
- 4- لِيُنْثَرِيَ بِهِ مَالَهُ : بر مالش بیفزاید.
- 5- حُمُوشًا : مفردش « خُمش » خراش را گویند.
- 6- رَضْفًا : سنگهای تفتیده و بسیار سوزان

گدایی حلال است یا حرام ؟

مطالب حدیث :

1- اسلام در مورد اینکه فرد مسلمان تنها با اعتماد بر الله و سپس بر نفس خود، زندگی آبرو مندانه را دارا باشد، اهتمام بسیار جدی نموده است. به این اساس تا هنگامیکه انسان توان کار و کسب را داشته باشد، برایش درست نیست که کار را کنار گذاشته در حصول ما یحتاج زندگی اش خود را بار دوش دیگران سازد، و یا اینکه بدون ضرورت و به غرض استکثار و بلند بردن سطح ثروت خود دست به سؤالگری بزند، و هرکه چنین کاری را مرتکب شود، چنین شخص را الله تعالی علاوه بر آنکه در دنیا به ذلت و خواری گرفتار می سازد، در آخرت نیز عذاب درد ناکی در انتظارش قرار دارد.

« عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ سَأَلَ النَّاسَ أَمْوَالَهُمْ تَكْثُرًا فَإِنَّمَا يَسْأَلُ جَمْرًا فَلْيَسْتَقِلَّ أَوْ لِيَسْتَكْثِرْ »

از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که او گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: هر که به غرض آنکه بر مال خویش بیفزاید از مردم مالهایشان را سؤال کند، آتش پاره ای را سؤال میکند، پس از آن بکاهد، و یا بر آن بیفزاید.

و چون محبت جمع سرمایه، در نهاد و فطرت انسان جای دارد، چنانچه الله تعالی در سوره الفجر آیه 20/ میفرماید: « وَ تَحِبُّونَ الْمَالَ حُبَّ الْجَمَّاءِ » ترجمه: و اموال و دارائی را بسیار دوست میدارید. و در سوره عادیات آیه 8/ می فرماید: (وَ إِنَّهُ لَحَبُّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ) ترجمه: و علاقه شدید به دارائی و اموال دارد.

پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند:

« لَوْ كَانَ لِابْنِ آدَمَ وَادٍ مِنْ ذَهَبٍ أَحَبَّ أَنْ لَهُ وَادِيًا آخَرَ وَلَنْ يَمْلَأَ فَاهُ إِلَّا التُّرَابُ وَاللَّهُ يَتُوبُ عَلَى مَنْ تَابَ »

« آدمی زاد اگر وادی پر از مال داشته باشد، البته در طلب وادی دیگری خواهد شد، و دهان آدمی زاد را جز خاک پر نمیکند، و الله توبه کسی را که توبه کند می پذیرد. » (به روایت صحیح مسلم)

2- انسان هر چند سالخورده هم شود، محبت مال از وی دور نمی شود، بلکه با بلند رفتن سن و سال، انسان اگر نیازی به مال هم نداشته باشد، باز هم علاقه مندی اش به آن در وی بیشتر میگردد.

و چون این امر در انسان غریزه است، لذا اسلام نمی گزارد که پیروانش اسیر شهوات و غرایزشان شوند و به هرجهتی که سوق شان دهد، به همان سو حرکت کنند، بلکه اسلام با بکار بستن شیوه ها و وسایل مختلف در جهت تهذیب و اصلاح غرایز پیروانش می کوشد، تا همانند حیوانات که تابع و منقاد غرایزشان هستند، نشوند.

از جمله غرایزی که اسلام در جهت اصلاح آن گام برداشته است، غریزه محبت و دلدادگی به ملکیت است. لذا اسلام درین راستا می کوشد تا از سیطره محبت مال بر زندگی مردم جلوگیری کند، و برای آنکه محبت مال به زبونی و ذلت مسلمان و یا طغیان و سرکشی او نیانجامد، اسلام سعی میورزد تا از سلطه و تأثیر آن بر نفس بکاهد، زیرا در غیر آن، نفس انسانی به طغیان و ظلم که لازمه سرمایه اند، میلان میکند. الله تعالی میفرماید: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَإِطْعَىٰ أُن رَأَىٰ اسْتَعْجَلَ» (سوره العلق: 6،7) ترجمه: قطعاً انسانها سرکشی و تمرد می آغازند».

گدایی حلال است یا حرام ؟

3- این امر مبرهن است که اسلام اصول و ضوابطی را وضع نموده است که توسط آن از سیطره مال بر زندگی مسلمان جلوگیری میکند، و از بردگی مال او را چنان آزاد میسازد که مال تنها در دست و تصرف او قرار می گیرد، نه در قلبش، و وسیله ای برای سعادت و کامرانی بشر میگردد، به این ترتیب مال و ثروت، فرد مسلمان را بر طغیان و تجاوز نمی انگیزد، بلکه او را بران می دارد تا سپاس الله تعالی که صاحب و مالک حقیقی مال و ثروت و سایر نعمتها است، بجا آورد.

4- اسلام با مال و ثروت چنانکه برخی می پندارند، بغض نمی ورزد، ولی آنچه که اسلام مکروه و ناپسند میداند مالی است که سبب سرکشی و طغیان انسان گردد، و اینکه انسان بنده و برده مال گردد، در اسلام سخت نکوهیده و مذموم است، چون انسانی که برده مال گردد، سعی میورزد تا از هر طریقی که ممکن باشد آنرا بدست آرد، علاوه برآنکه از ادای حقی که دیگران در مال او دارند، شانه تھی میکند، اینجاست که چنین مال اسباب بدبختی بشریت را فراهم می آورد.

دلیل آنکه اسلام خلاف مال و ثروت نیست، اینست که اسلام نه تنها به کسب و کار دستور داده است، بلکه به اشکال و شیوه های گوناگون به آن تشویق نیز نموده است، از نظر اسلام کار حتی اگر طاقت فرسا هم بوده باشد، نسبت به بیکاری و بار دوش دیگران شدن، بهتر است، و اینکه در اسلام پاداش اعمال - در صورتیکه مسلمان را به مقصودش وصل کند - به قدر تکلیف و مشقتی است که او متحمل میگردد.

« عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ لَأَنْ يَخْدُوَ أَحَدُكُمْ فَيَخْطِبَ عَلَى ظَهْرِهِ فَيَتَصَدَّقَ بِهِ وَيَسْتَعْنِيَ بِهِ مِنَ النَّاسِ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَسْأَلَ رَجُلًا أَعْطَاهُ أَوْ مَنَعَهُ ذَلِكَ فَإِنَّ الْيَدَ الْعُلْيَا أَفْضَلُ مِنَ الْيَدِ السُّفْلَى وَابْدَأْ بِمَنْ تَعُولُ »

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که او گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم را شنیدم که میگفت: اینکه یکی از شما (به صحرا) برود، و بر پشتش هیزم بیاورد، (و آنرا به فروش برساند) پس بدینطریق صدقه دهد، و به آن خود را از مردم بی نیاز سازد، این کار برایش بسی بهتر از آنست که از مردی سؤال کند - و آن مرد برایش (چیزی) بدهد و یا ندهد - ، زیرا دست برتر (دست دهنده) نسبت به دست پایین (دست گیرنده) بهتر است، (و هنگام صدقه دادن) به کسی آغاز کن که نفقه اش بر دوش تو است". (به روایت صحیح مسلم)

5- اسلام بنده مسلمان را در برابر کسب و کارش به اجر و پاداش وعده داده است ، در صورتیکه مقصودش رضای الله، و پاک و بی آایش نگاه داشتن خود و پاک نگاه داشتن اهل و عیالش از سؤالگری و از حرام بوده باشد؛ زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم به سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه فرمودند:

« إِنَّكَ أَنْ تَدَعَ وَرَثَتَكَ أَغْنِيَاءَ خَيْرٌ مِنْ أَنْ تَدَعُهُمْ عَالَةً يَتَكَفَّفُونَ النَّاسَ فِي أَيْدِيهِمْ وَإِنَّكَ مَهْمَا أَنْفَقْتَ مِنْ نَفَقَةٍ فَإِنَّهَا صَدَقَةٌ حَتَّى اللَّقْمَةُ الَّتِي تَرْفَعُهَا إِلَى فِي امْرَأَتِكَ وَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَرْفَعَكَ فَيَنْتَفِعَ بِكَ نَاسٌ وَيُضَرَ بِكَ آخَرُونَ » (هرگاه اگر تو ورثه ات را پس از خودت ثروتمند بگذاری این بهتر است از آنکه آنان را محتاج بگذاری که (بسبب محتاجی و نیازمندی) بسوی مردم از آنچه که در اختیار دارند، دست سؤال دراز کنند، و هرچه را که تو خرج کنی آن صدقه است، حتی لقمه ای را که به سوی همسرت بلند میکنی (این نیز صدقه

گدایی حلال است یا حرام؟

است) ای سعد! امید است که الله تو را از بیماری ات عافیت داده و به سبب تو مردمی را سودمند گرداند، و مردمی دیگری را زیانمند). (به روایت صحیح بخاری)
به همین ترتیب اسلام از سستی و تنبلی، ترک دنیا، بی کاری و خود را باردوش دیگران ساختن سخت برحذر داشته است، اینهمه فقط بدان سبب است که اسلام می خواهد مسلمان با عزت و سربلند زیست و زندگی کند، الله تعالی میفرماید:
«وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» سوره منافقون آیه: 8.
ترجمه: عزت تنها از آن الله و برای پیغمبرش، و برای مومنان است، ولی منافقان نمی دانند.

6- مسلمانی که فقیر و محتاج دست دیگران بوده باشد، چگونه میتوان آبرومند و باعزت بوده باشد؟ و تا هنگامیکه به ثروت و قوتش از دیگران بی نیاز نگردد، هیچگاه او باعزت نخواهد بود، و آنچه که بجا آوری یک امر واجب بدون آن ممکن نباشد، آن نیز واجب میگردد.

و هنگامیکه پیغمبر صلی الله علیه وسلم خواست فهم و درک عمرو بن العاص را در مورد مال تصحیح نماید، در یک شیوه بسیار رعا برایش بیان داشت که مال را به اعتبار آنکه مال است، بد شمرده نمیشود، بلکه آن وسیله خوبی است در صورتیکه در مجال درست بکار گرفته شود، و این بکار گیری درست و سالم در آنصورت ممکن میشود که مال در اختیار مسلمانان قرار گیرد، آنگاه است که مال در محل مناسب و درستش به مصرف خواهد رسید، و از نفع آن همه امت اسلامی بهره مند خواهد گردید، و وسیله ای برای عزت و نیرومندی اسلام و مسلمانان، و حصول رضای الهی خواهد گردید. لذا پیغمبر صلی الله علیه وسلم این سخن زیبا را فرمودند:
« يَا عَمْرُو نِعْمَ الْمَالُ الصَّالِحُ لِلْمَرْءِ الصَّالِحِ » (ای عمرو! چه نیکو است مال خوب برای مرد نیکوکار!) (به روایت احمد)

7- علاوه بر آن، چه گونه ممکن است که اسلام ثروت را ناپسند بداند، در حالیکه بجا آوری برخی ارکان اسلام مانند زکات و حج بدون مال امکان پذیر نیست؟ لذا طوریکه ما قبلا یاد آوری نمودیم که اسلام با وضع اصول و ضوابط می خواهد، غریزه محبت با مال را در فرد مسلمان تهذیب نموده مال را از قلب مسلمان بیرون آورده آنرا در دست او قرار دهد، و هر وقتیکه ضرورت به بذل و انفاق آن پیش آید با دل کشاده و غیر حریص، مالش را برای حصول رضای الله به خرج رساند، و یا در صورتیکه مالش را آفتی رسد و تلف شود، فرط حسرت افسوس دامنگیر او نگردد.
اسلام تنها با این امر اکتفا نمیکند که مسلمان را خود کفا و بی نیاز از دست دیگران بگرداند، بلکه او را به مراتب بس عالی و پر شرافت بلند می برد، ایثار و فداکاری را در وی غرس میکند، و از وی شخصیتی میسازد که همواره دست عطا به دیگران دراز نموده و با آنان احسان و نکوئی میکند.

«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ وَهُوَ عَلَى الْمُنْبَرِ - وَذَكَرَ الصَّدَقَةَ وَالتَّعَفُّفَ وَالْمَسْأَلَةَ - أَيْدِ الْعُلْيَا خَيْرٌ مِنَ الْيَدِ السُّفْلَى فَأَلَيْدُ الْعُلْيَا هِيَ الْمُنْفَعَةُ وَالسُّفْلَى هِيَ السَّائِلَةُ»

گدایی حلال است یا حرام ؟

از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم در حالیکه بر منبر قرار داشتند، پس در ضمن صحبت شان، پیرامون صدقه و خود داری از سؤالگری صحبت کرده فرمودند: "دست برتر نسبت به دست زیرین بهتر است، دست برتر همانا دست خرج کننده است، و دست زیرین همانا دست سؤالگر است". (به روایت صحیح مسلم).

و حدیثی را که داریم ما شرح میکنیم یکی از همان احادیثی است که رسول الله صلی الله علیه وسلم در آن، به وعید و هشدار کسانی پرداخته است که برای مطالبه اموال زکات نزد ایشان می آمدند با آنکه نیازمندیهای اولیه شان را که عبارت از خوراک، لباس و مسکن است، واجد بودند، و یا اینکه بنا بر تنبلی کسب و کار را گذاشته خود را بار دوش دیگران ساخته بودند، با آنکه توانمندی کار را داشتند، و با ستاندن آنچه که حق شان نبود، حقوق مردمان ناتوان و عاجز از کسب و کار را تلف مینمودند، و ازین طریق فقط میخواستند بر سرمایه خود بیفزایند، و ذلت و خواری دنیا را با عذاب سهمناک آخرت یکجا جمع کنند.

احکام مستبطل از حدیث :

ازین حدیث چنین بر می آید که کسیکه واجد ضروریات اولیه زندگی - طعام، لباس، مسکن - باشد، و یا اینکه توان کسب و کار را و مصرف یک روزه اش را داشته باشد، بروی حرام است که از مردم سؤال کند. اما اگر فقیر باشد، و یا بنا بر بیماری، یا کدام آفت بدنی توان کسب و کار را نداشته باشد، برایش جایز است که به غرض حصول نیازمندیهای ضروری اش از مردم سؤال کند. و مطلب فوق ازین گفتار پیغمبر صلی الله علیه وسلم بر می آید: (إِنْ الْمَسْأَلَةُ لَا تَحِلُّ لَغَنِيِّ...) اینک مرتکب این عمل در غیر ضرورت، به عذاب دردناک دوزخ و عید داده شده است، به ما این مطلب را می رساند که عمل مذکور نه تنها حرام است، بلکه از جمله گناهان کبیره است، زیرا یکی از علایم کبیره بودن گناه اینست که مرتکب آن به عذاب دوزخ و عید داده شود.

مطلبی را که درین حدیث آمده است، احادیث دیگر نیز تأیید میکند که بخشی از آن بدین قرار است:

« عَنْ حَمْرَةَ بِنْتِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَا تَزَالُ الْمَسْأَلَةُ بِأَحَدِكُمْ حَتَّى يُلْقَى اللَّهَ وَلَيْسَ فِي وَجْهِهِ مَرْعَةٌ لَحْمٍ »

از حمزه بن عبدالله از پدرش روایت است که پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: یکی از شما همواره به سؤالگری ادامه میدهد، تا آنکه با الله در حالتی روبرو میشود که در چهره اش یک قطعه گوشت هم وجود ندارد". (به روایت صحیح مسلم)

مطلب حدیث اینست که چنین شخص روز قیامت به حالت بسیار زبون و ذلت آمیز نزد الله می آید که هیچگونه قدر و قیمتی ندارد. و در تفسیر حدیث این قول نیز آمده است که حدیث مذکور بر ظاهرش حمل می شود، و شخص سؤالگر در حالتی حشر میشود که رویش تنها عبارت از استخوانی است و حتی یک قطعه گوشت هم در آن نمی باشد، و این عقوبت و علامت همان گناهی بود که در دنیا مرتکب شده بود، و احادیث دیگری نیز این

گدایی حلال است یا حرام ؟

مطلب را تأیید میکند که عقوبات ویژه ای متوجه اعضای میشود که توسط آن گناه صورت گرفته است.

« عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ سَأَلَ النَّاسَ أَمْوَالَهُمْ تَكْثُرًا فَإِنَّمَا يَسْأَلُ جَمْرًا فَلْيَسْتَقِلَّ أَوْ لِيَسْتَكْثِرْ »

(از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: کسیکه از مردم اموالشان را به غرض افزایش ثروتش سؤال میکند، در حقیقت او آتش پاره ای را سؤال میکند، پس (حالا این بر او بر میگرزد که) از آن بکاهد، و یا بر آن بیفزاید". (به روایت مسلم)

مطلب حدیث اینست که چنین شخص به دوزخ انداخته خواهد شد، و ممکن است که حدیث بر ظاهرش گذاشته شود، و به این اساس آنچه شخص سؤالگر از غیر ضرورت از مردم سؤال میکند، به صورت آتش پاره خواهد درآمد که بدنش به آن داغ کرده خواهد شد، چنانکه همین گونه عقوبت در مورد کسیکه از پرداخت زکات خود داری میکند، نیز وارد شده است.

در حدیث فوق، این مطلب بیان شده است که برای دو گروه مردم سوال کردن جایز است: نخست کسی که با فقر بسیار شدید مواجه باشد، دوم، کسی که به غرض ایجاد صلح و آشتی میان دو کسی که با هم دشمنی دارند، دینی را به عهده گرفته باشد. و از حدیثی که امام مسلم روایت نموده است، چنین مطلب اخذ میشود که سؤال جز برای سه گروه مردم جایز نیست:

- 1- مردی که دینی را به عهده گرفته است تا در میان در جناح متخاصم و باهم دشمن آشتی بیارد، چه آن جناحهای متخاصم افراد باشند، یا در صورت گروه باشند.
- 2- مردی که آفتی به وی رسد و تمام مال و دارایش را تلف کند.
- 3- مردی که با فقر و تنگدستی شدید مواجه شود، و سه تن از اقاربش که مردان عاقل باشند، به فقر او شهادت دهند.

« عَنْ قَبِيصَةَ بِنِ مُخَارِقِ الْهَلَالِيِّ قَالَ تَحَمَلْتُ حَمَالَةً فَأَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَسْأَلُهُ فِيهَا فَقَالَ أَقِمِ حَتَّى تَأْتِيَنَا الصَّدَقَةُ فَنَأْمُرَ لَكَ بِهَا قَالَ ثُمَّ قَالَ يَا قَبِيصَةُ إِنَّ الْمَسْأَلَةَ لَا تَحِلُّ إِلَّا لِأَحَدٍ ثَلَاثَةِ رَجُلٍ تَحَمَلُ حَمَالَةً فَحَلَّتْ لَهُ الْمَسْأَلَةُ حَتَّى يُصِيبَهَا ثُمَّ يُمْسِكُ وَرَجُلٌ أَصَابَتْهُ جَانِحَةٌ اجْتَاخَتْ مَالَهُ فَحَلَّتْ لَهُ الْمَسْأَلَةُ حَتَّى يُصِيبَ قَوْمًا مِنْ عَيْشٍ أَوْ قَالَ سِدَادًا مِنْ عَيْشٍ وَرَجُلٌ أَصَابَتْهُ فَاقَةٌ حَتَّى يَفُومَ ثَلَاثَةَ مِنْ ذَوِي الْحِجَابِ مِنْ قَوْمِهِ لَقَدْ أَصَابَتْ فُلَانًا فَاقَةٌ فَحَلَّتْ لَهُ الْمَسْأَلَةُ حَتَّى يُصِيبَ قَوْمًا مِنْ عَيْشٍ أَوْ قَالَ سِدَادًا مِنْ عَيْشٍ فَمَا سِوَاهُنَّ مِنَ الْمَسْأَلَةِ يَا قَبِيصَةُ سُحْتًا يَأْكُلُهَا صَاحِبُهَا سُحْتًا » (صحيح مسلم)

از قبیصه بن مخارق هلالی رضی الله عنه روایت است که او گفت: من پرداخت مالی را (به غرض اصلاح) به عهده گرفتم، پس نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمدم، تا از ایشان در آن مورد درخواست همکاری کنم، پس پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: منتظر باش تا مال زکات برسد، و از آن برایت دستور پرداخت دهیم. قبیصه میگوید: سپس پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: ای قبیصه! جز برای سه کس، سؤال درست نیست: مردی که پرداخت مالی را به عهده گرفته باشد، پس سؤال نمودن برایش جایز است تا آنکه آن مال را به دست بیارد، و سپس از سؤال خود داری کند، دوم: مردی که

گدایی حلال است یا حرام؟

آفت و بلائی به وی رسد و مالش را تلف کند، پس سؤال برایش جایز است تا آنکه به آنچه سبب بقا و زنده ماندنش گردد، دست یابد، سوم: مردی که گرفتار فقر و تنگدستی شده باشد، و سه مرد از عقلای قومش به فقر او گواهی دهند، درینصورت برایش سؤال درست است، تا آنکه به آنچه که سبب بقایش میگردد، دست یابد، ای قبیصه! سؤال در غیر این سه حالت حرام است، و سؤال کننده چیزی را که از طریق سؤال میخورد، حرام می خورد.

« رجل تحمل حمالة » مطلب حمالة اینست که انسان مالی را به متحمل شود و به عهده بگیرد تا به غرض تأمین صلح و آشتی میان دو قبیله، و یا میان دو شخص، به مصرف برساند. و درینصورت سؤال برایش درست است و از مال زکات برایش داده میشود شرطش اینست که مال مذکور را در کدام امر نامشروع متحمل نشده باشد. {حتی یصیب قواما من عیش - او قال: سدادا من عیش} القوام - و- السداد- هر دو یک معنا دارد، و آن مقدار از طعام و چیزهای را گویند که حاجت را برآورده سازد. « حتی یقول ثلاثة من ذوی الحجا من قومه لقد أصابت فلانا فاقاة » الحجا: عقل را گویند، و عقلمند بودن در شاهد برای آن شرط قرار گرفت که شاهد باید هوشیار باشد، به این اساس کسیکه مغفل بوده باشد، شهادتش پذیرفته نیست. در حدیث این امر را نیز شرط قرار داد که شهود مذکور باید از قومش باشند، زیرا عادتاً مال داشتن کسی امر پوشیده می باشد، و جز کسیکه از حال او خبر نباشد، به این امر اطلاع نمیداشته باشد، و کسانی که از قوم انسان باشند به حالت افراد قوم خود مطلع و با خبر می باشند.

احکامی که از حدیث اخذ میشود:

- 1- اسلام یک شیوه کامل، و نظام همه گیر است، و سرتاسر زندگی مسلمان را از اول تا آخر احتوا میکند، و به آن نظم می بخشد.
- 2- اسلام به حفظ شرف و عزت مسلمان بذل اهتمام نموده و چنان به تربیت عالی و بلند او می پردازد که عزت و شرف او را محقق، و در جامعه اسلامی امن و امان، و رشد و شگوفائی را ببار می آورد.
- 3- به کار و شغلهای مفید و سودمندی که به نفع فرد و جامعه می انجامد، و خیر دنیا و آخرت را فراهم می آورد، تشویق و ترغیب میکند.
- 4- به ترک تنبلی و بیکاری ترغیب میدهد، زیرا کسالت و بیکاری اموری اند نه تنها سبب ذلت فرد مسلمان میشوند، بلکه اسباب سقوط جامعه را نیز فراهم می آورند.
- 5- اسلام بر سلامت جامعه سعی نموده در جهت حفاظت آن از مردمان بی کار، استفاده جو و فرصت طلب که از اسباب بدبختی جامعه اند، می کوشد.
- 6- اسلام سعادت دنیوی را به استقامت بر منهج الهی ربط میدهد، و صلاح آخرت به صلاح دنیا، پس کسیکه با استقامت و پایداری بر منهج الهی دنیای خویش را اصلاح کند، آخرتش اصلاح میشود، و کسیکه با دوری گزیدن از دین الله تعالی دنیایش را فاسد سازد، آخرتش نیز تباه و برباد شده، خود را در معرض ذلت دنیا و آخرت قرار داده است.

گدایی حلال است یا حرام؟

7- اسلام به این جانب که هر صاحب حق باید حق خود را بستاند، اهتمام میورزد، و آن بدینطور که هرگاه اگر مردمان ثروت مند و کسانی توان کسب و کار دارند، از اموال زکات بگیرند، درینصورت آنها حق مردمانی را توان کسب و کار ندارند، در معرض ضیاع قرار داده اند، و الله تعالی در اموال ثروتمندان به مقداری زکات را فرض نموده است که تنها ضرورت مستمندان و بی نوایان را برآورده میسازد، پس هر گاه اگر ثروتمندان و مردمان غیر مستحق در اخذ زکات مزاحم فقراء و مردمان نا توان شوند، یقیناً این کار به ضیاع آنان می انجامد.

گدایی حلال است یا حرام؟

تتبع و نگارش:

امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »
مدیر مطالعات ستراتژیژیک افغان
و مسؤل مرکز کلتوری دحق لار- جرمنی
ادرس :

saidafghani@hotmail.com

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**